

	 دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۴ وطن امروز شماره ۴۳۴۱
 [فرهنگ و هنر]	
اخبار	

تصمیم‌مؤتلفه‌اسلامی به‌اعدام‌منصور در درون مؤتلفه بحرانی پیش آمده بود، چون رژیم اوضاع را در دست گرفته و همه مایوس شده بودند… تصمیم گرفتند مؤتلفه اسلامی به ۲ بخش «تبلیغاتی – سیاسی» و به تعمیر این روز «حاد» تقسیم شود؛ شورای مرکزی در قالب بخش سیاسی کار خودش را انجام دهد و بخش جدید در داخل خود انتخابات داشته باشد. شهید هاشم امّانی، حاج ابوالفضل حاج‌حیدری، شهید صادق امّانی، شهید مهدی عراقی، خدوم و چند تن دیگر بدون ارتباط با بخش «سیاسی – تبلیغاتی» در بخش مسلحانه قرار گرفتیم. بالاخره دی‌ماه تصمیم گرفته شد در مرحله اول محمدرضا شاه و در مرحله دوم ۱۱ چهره مملکتی همچون نخست‌وزیر،رئیس سلاوکر،رئیس‌شهریانی،رئیس مجلس‌شورا،رئیس مجلس‌سنا و…اعدام‌انقلابی شوند به همین منظور برنامه‌ای برای ترور شاه در نظر گرفته شد و مقدماتی نیز فراهم کردیم اما موفق به اجرای آن نشدیم، چون شاه بدل داشت و او را جای خود می‌فرستاد و اگر هم خودش جایی می‌رفت، بر نامه‌هایش را امداد تغییر می‌داد.
اواخر دی‌ماه به این نتیجه رسیدیم که ترور شاه میسر نیست و باید مرحله دوم را اجرا کنیم که نفر اول از لیست ۱۱ نفر، نخست‌وزیر وقت حسنعلی منصور بود. ۳ دلیل برای ترور او ذکر شد ۱- او در واقع رئیس اجرایی کشور بود و امام را تبعید کرده بود. ۲- پس از تبعید امام به ایشان اهانت کرده بود. ۳- او در حال بستن یک قرارداد نفتی به ضرر ایران بود و در چنین شرایطی که اختناق در درون کشور وجود داشت و کسی نمی‌توانست اظهار نظر کند، این کار او خیانت محسوب می‌شد.

حبیب‌الله عسکر اولادی / خاطرات حبیب‌الله عسکر اولادی
مسلمان اسیدمحمد کیمیافر
(تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹)
صفحات ۱۶۴ و ۱۶۵

فضیلت نجف‌اشرف
از زبان آیت‌الله کشمیری
مرحوم آیت‌الله سیدعبدالکریم کشمیری(ره) می‌فرمودند: من(ن) اگر نجف بروم حالم خوب می‌شود؛ نجف چیز دیگری است، حتی مساجد کوچک آنجا داری که معنویت است که مساجد بزرگ ایران مثل گوهرشاد خراسان آن معنویت را ندارد. در نجف ۳۶۰ پیامبر دفن هستند و در کربلا ۲۶۰ پیامبر. قبر حضرت آدم و نوح در کنار قبر امیر المؤمنین علیه‌السلام است. آنقدر نجف مهم است که مانند مریم حوچ زین‌الدین مرندی که مجتهدی مسلم و با تقوا بود، گاهی می‌آمد جلو درب صحن امیرالمؤمنین علیه‌السلام، آنجا که گناه می‌نشتند، می‌نشت. می‌گفتند:آقا اینجا خوب نیست! می‌فرمود: اینجا جایی است که امام زمان «عج» و «حضرت نجف مهم است که امام حرم می‌روند، من هم نستخدام تا شاید توجهی به من کنند».

سیدمصطفی علوی
باران معرفت / صفحه ۲۹۴

روزنامه‌های که قیایح دولت را نگوید
روزنامه‌نیست

در شماره چهارم روزنامه «قانون»، به تاریخ غره شوال ۱۳۰۷ هجری قمری هم درباره مقام مطبوعات در دنیای امروز، خطاب به ناصرالدین شاه، چنین یادآوری شده بود:
«روزنامه‌سرچشمه‌تنظیمات‌دیباست‌بدون‌روزنامه‌محل است که در ایران یک وزیر قابل ظهور بکند. بدون روزنامه، هیچ حق و فضیلتی نیست که از شر جهل مقتدر محفوظ بماند. بدیهی است که مقصود از روزنامه، نه آن اوراقی است که به حکم وزراء، محض مداحی ایشان چاپ می‌شوند آن اوراقی که باید‌مجبوراًحرکت‌وایجاب‌قویای دولت را تمجید بکنند. آنها عوض اینکه محرک عدالت باشند، آلت تشویق سفاقت بزرگان و مایه مزید غفلت می‌شوند. روزنامه‌های که بخواد یک ملتی را به حرکت بیاورد، باید خارج از اختیار وزراء صاحب کلام آزاد و قلمر نعره‌های بلند باشد».

مقاله‌نویسی در مطبوعات/ صفحه ۱۶

از سنگ مزار من میرس!
شاخه خشک، و پاییز و بهار من میرس
ردم‌ام، از صبح و شام روزگار من میرس
آفتابی بر لب بامم، در آفاقم مجوی
جلوای از طالع بی‌اعتبار من میرس
سر خط مضمون افسوسم، بر این حیرت‌بیاض
جز ندانم سطری از شعر و شعار من میرس
سر به پیش افکنده دارم پیش سربازان عشق
سرفرازی از سر زانو سوار من میرس
زخم صد مهرم به جان دارد درخت طاقتم
سایه واگیر از سرم؛ وز برگ و بار من میرس
استخوان خوش‌نظم‌ام، وز مومیایی بی‌نیز
گم شدم در خویش، از سنگ مزار من میرس
در بیابان طلب آوارم‌ام چون گردباد
آشیان بر باد دادم، از غبار من میرس
غفلت خوش‌یواری‌ها را غرامت می‌دهم
از جفای دشمن و از مهر یار من میرس
داستان پرداز عصر غربت‌انسان منم
نغمه‌ای بشنوی، در درد اضطراب من میرس
چشم در راه امیدو همچنان بنشتنام
قصه کوتاه کن، حمید! از انتظار من میرس

حمید سبزواری

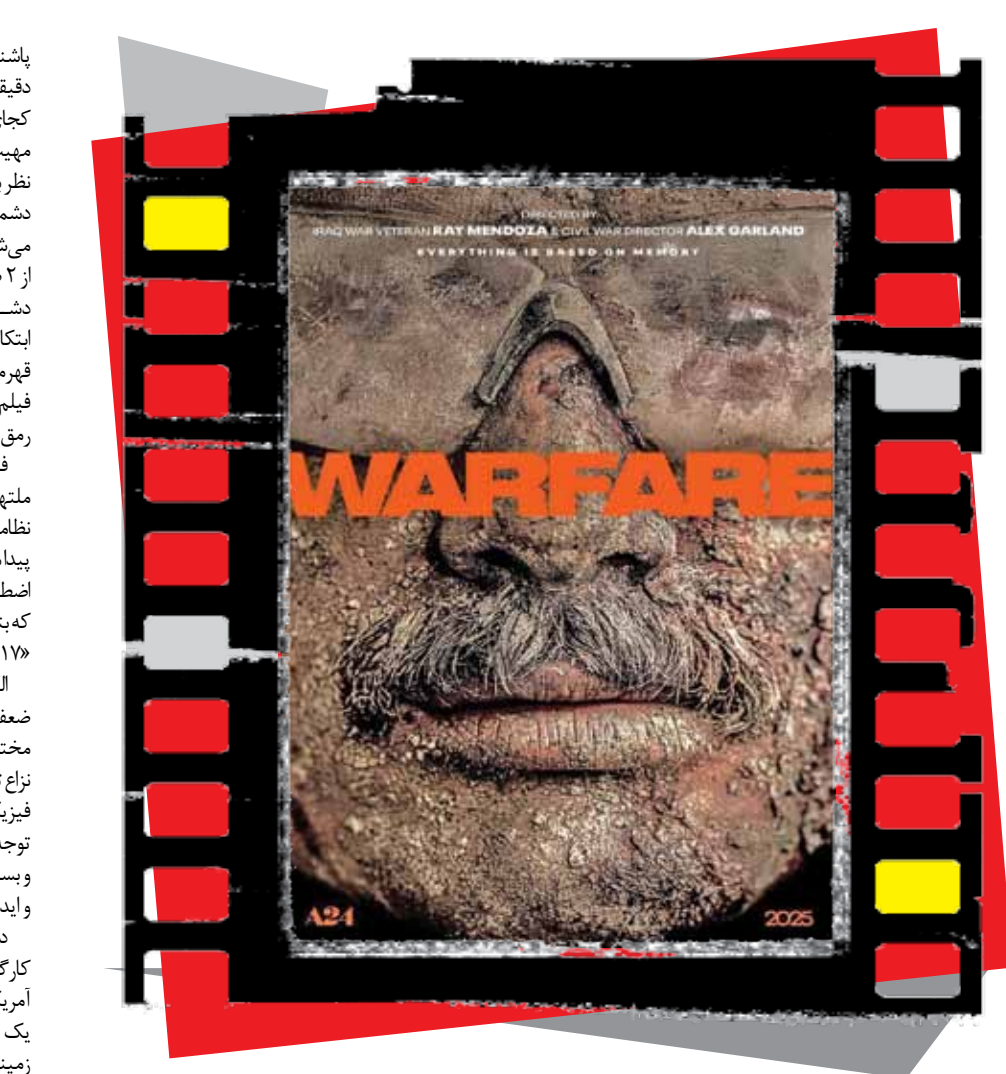
حضرت امیر المومنین (ع):
وقتی کسی پی برد که دوستش به چیزی نیازمند است، باید قبل از درخواست نیاز او را بر طرف کند و او را وادار به سوال و درخواست نکند.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
روزنامه‌امتیاز و **مدیرمسئول:** محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲
نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷
پست‌الکترونیکی: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌چم برتر برنا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

مروری بر فیلم «جنگاوری»

مرثیه‌خوانی هاکیوود برای طفلکی‌های متجاوز



حماسی نیز به آن دوره از فعالیت ارتش آمریکا ببخشند و آثاری از جنس «کت‌برانداز آمریکایی» نیز در هالیوود ساخته شده است. فیلم «جنگاوری» نیز دقیقاً در خط فکری و معنایی نقد درون گفت‌وابی ملی‌گرای آمریکایی با روکش دلسوزی دم‌وکرات‌ها برای سرباز آمریکایی قرار می‌گیرد و چنین حرفی را می‌خواهد بزند که طفلکی سرباز آمریکایی در خدمت مطامع جورج بوش قرار گرفت و هزینه جانی و روانی متحمل شد. «جنگاوری» اما به جز کمی اکشن‌بازی سرگرم‌کننده از جنس گیم‌های جنگی، آورده دیگری ندارد و در خلق جهان فکری خود و در بیان حسی این زاویه دید، عاجز و ناتوان است. فیلم هیچ شخصیتی ندارد، حتی تپ هم ندارد. یک تعداد آدمک در فیلم هستند که اسلحه به دست دارند و سرتیگ فقط حضور فیزیکی دارند و ممکن است استفاده یا در حال اسیر شدن می‌دانیم و نه نکته جالبی در رفتارشان توجه را جلب می‌کند. حتی اسم‌های‌شان را به زور می‌توان به خاطر سپرد. تازه این مربوط به جبهه قهرمان‌های آمریکایی است. مردم‌عدای عراقی و نظامیان جهادی همین حد‌از تشخص رانیز ندارند. مثل مانکن‌های بوتیک فقط حضور فیزیکی دارند و ممکن است استفاده یا در حال قدم‌زدن باشند. نه می‌دانیم که دقیقاً چه گروهی در حال جنگیدن با آمریکایی‌هاست و نه متوجه می‌شویم که عقبه این موقعیت محوری محصور در خانه چه بوده است. فیلم تلاش زیادی برای دادن مختصات و جغرافیای خانه می‌کند ولی از این جغرافیا نیز استفاده نمی‌کند و مشخص نیست کارکرد این خانه در کلیت حضور این سربازان و عملیات‌شان در چیست.

ایهام در خلق جهان، هویت و عقبه دشمنان سربازان آمریکایی، علاوه بر ضربه‌ای که به لحاظ معنایی و ایدئولوژیک به هندسه مضمونی فیلم وارد می‌کند، از حیث درام‌پردازی و قصه‌گویی نیز،

ایران چگونه معادله قدرت را تغییر داد؟

سه‌گانه است که تحلیل آن، ماهیت واقعی سیاست خارجی اروپا را آشکار می‌کند.

۱- **جولوگیری** از خسارات بیشتر به اسرائیل: اروپایی‌ها به وضوح دیدند اسرائیل در این رویارویی، بازنده راهبردی بوده و تداوم تنش، تنها به افشای بیشتر ضعف‌های آن و تحمیل خسارات سنگین‌تر منجر خواهد شد. دیپلماسی اروپا در وهله اول، نقش «ترمز اضطراری» را برای متوقف کردن قطاری بازی می‌کند که اسرائیل راه انداخته و اکنون توان کنترل آن را ندارند. آنها در پی نجات متحدانستراتژیک‌خوداز باتلاقی هستند که خود‌ساخته‌است. ۲- **کشاندن ایران پای میز مذاکره برای گرفتن امتیاز:** این یک تاکتیک کلاسیک غربی است. آنها پس از آنکه ایران قدرت خود را به نمایش گذاشت و یک معادله جدید تعریف کرد، با ژست «میانچی بی‌طرف» وارد می‌شوند تا دستاوردهای میانی ایران را در عرصه دیپلماسی خنثی کنند. هدف اصلی آنها این است که در ازای کاهش تنش، ایران را وادار به پذیرش محدودیت‌های جدید بر برنامه هسته‌ای، موشکی یا نفوذ منطقه‌ای خود کنند. به عبارت دقیق‌تر، آن‌ها می‌خواهند آنچه را اسرائیل در میدان نبرد نتوانست به دست آورد، از طریق مذاکره و فشار سیاسی برایش تأمین کنند. ۳- **حفاظت از منافع اقتصادی خود:** اروپا با شدت به ثبات بازارهای انرژی و امنیت خطوط کشتیرانی وابسته است. هرگونه جنگ گسترده در خلیج فارس، اقتصاد شکننده اروپا را با یک شوک نفتی ویرانگر و بحرانی‌زنجیر تأمین مواجه خواهد کرد. تکاپوی دیپلماتیک آنها‌بیش از هر چیز، تلاش برای جولوگیری از این پیامدهای فاجعه‌بار برای خودشان است.

■ **ایران معادله جنگ را رقم خواهد زد**
اکنون که ایران با موفقیت، یک مرحله گذار از صبر استراتژیک به «بازراندگی فعال» را طی کرده، باید معادله آینده را با هوشمندی و قاطعیت ترسیم کند. این مسیر مستلزم اقدامات چندلایه است. الف- **تثبیت و نهادینه‌سازی معادله جدید:** ایران باید از طریق کانال‌های دیپلماتیک، رسانه‌ای و نظامی به روشنی اعلام کند «دوران جدیدی» آغاز شده است. اصل «پایخ متقابل و مستقیم» باید به عنوان یک دکترین رسمی و غیرقابل مذاکره تثبیت شود. هرگونه تردید در این زمینه، طرف مقابل را به آزمودن مجدد اراده ایران وسوسه خواهد کرد.

پاشنه آشیل فیلم است، زیرا متوجه نمی‌شویم این نیروهای نظامی، دقیقاً چه نقاط قوت و ضعفی دارند و از چه چیزشان باید ترسید و کجای عملکردشان قابلیت غلبه دارد. به همین دلیل نیز، آن انفجار مهیب بمب دست‌ساز، بیش از آنکه یک ابتکار از سوی دشمنان به نظر برسد، کارکردی شبیه به بلا‌یا و حوادث متافیزیکی دارد و نبرد با دشمنان نیز بدون فهم و ادراک روشن از جغرافیای حضور آنها انجام می‌شود و صرفاً قرار است فشن‌های شلیک شده به صورت رندوم از ۲ طرف را ببینیم که هیچ‌کدام نیز هیچ‌گاه به هدف نمی‌خورند. دشمنان به غیر از آن یک بمب که نفهمیدیم از کجا آمد، هیچ ابتکار و کنش دیگری ندارند و نمی‌توانند مانع خاصی مقابل پای قهرمانان دلستان بگذارند و به همین دلیل نیز یک‌سوم انتهای فیلم، عملاً نکته‌ای به قصه اضافه نمی‌کند و صرفاً کش می‌یابد و رقم فیلم را می‌گیرد.

فیلم صرفاً یک امتیاز مهم دارد و آن توانایی ساختن یک اتمسفر ملتهب از گیر افتادن در یک خانه و دلهره نسبت به سر رسیدن نظامیان جهادی عراقی دارد که البته در اواخر فیلم بیش از حد کش پیدامی‌کند و ازرق می‌افتد. بااین حال خفگی حاکم بر محیط خانه، اضطراب حاکم بر فضا و بحران در تک لوکیشن فیلم در حدی هست که بتوان از دیدن این فیلم سرگرم شدو به یاد نمونه‌های دیگری مثل «۱۹۱۷» افتاد (گرچه «جنگاوری» به مراتب سطح پایین‌تر است). الکس گارلند در فیلم قبلی خود «جنگ داخلی» نیز دقیقاً همین ضعف در پرداختن خودی و دشمنان را داشت و نمی‌توانست یک مختصات مشخص از چرایی بحران پیش آمده و خواسته ۲ طرف نزاع تبیین کند. گویی او در فیلم‌های جنگی و اکشن، صرفاً به وجوه فیزیکی و سخت‌افزاری جنگ که شامل انفجار و تیر و تفنگ است، توجه دارد و از اهمیت شخصیت‌پردازی و عمق بخشیدن به چفت و بست داستان و همچنین پروراندن کلسیت معنایی و عقبه فکری و ایدئولوژیک در این گونه آثار غافل است.

در «جنگاوری»، فردی به نام ری مندوزا نیز در نویسندگی و کارگردانی به الکس گارلند کمک کرده که ظاهراً یکی از سربازان آمریکایی حاضر در واقعه در سال ۲۰۰۶ بوده است. به‌رغم حضور یک شاهد عینی در تیم ساخت فیلم، اما خبری از زمینه‌سازی و زمینه‌پردازی برای قصه نیست و همه چیز بسیار شبیه گیم است. همان‌طور که در گیم نیز خصوصاً اگر زبان بازی را ندانیم، صرفاً قرار است از سرگرم‌کنندگی جاری بر شلیک‌ها و هیجان استیز و بازی لذت ببریم و پروتاگونیست و آنتاگونیست به معنای داستانی و فکری، کارکرد خاصی ندارند. در فیلم نیز یک جاب‌باری توصیف نظامیان جهادی عراقی از لفظ کلمه «آدم بدها» استفاده شده است که سادهمازی و مناعگ‌ریزی مغرط فیلم را یادآوری می‌کند. حضور ری مندوزا البته در فضا‌سازی به کمک فیلم آمده و دست‌کم آنچه برای کشمشکش ایجاد کردن بر ذات حادثه‌محور این قصه لازم بوده را تأمین کرده است. زمان دراماتیک فیلم، عملاً مشابه زمان واقعی است و ثابیه به ثابیه، وقایع را مشاهده می‌کنیم و هر لحظه رویداد هیجان‌انگیزی در فیلمنامه تعبیه شده، با این حال اواخر فیلم، آن ابتکار عمل قصه‌گوانه و ایده‌های توجه‌برانگیز که در اوایل فیلم مشاهده کردیم وجود ندارد. مندوزا همان‌طور که در تیتراژ انتهای نیز می‌بینیم، تلاش کرده ثابیه به ثابیه واقعه را مشابه تجربه واقعی خود بازسازی و بازپردازی کند که در ایجاد رویکرد خاطر‌محور فیلم موفق است.

فیلم در نشان دادن تجربه حضور در موج انفجار نیز جذابیت خاص خود را دارد و آن اساساً برنخ‌گونه را که صدا شنیده نمی‌شود و چشم در تاریکی موقتاً کور می‌شود منعکس می‌کند. حس از آن و رنج جراحت خوردن در یک انفجار و تبعات پزشکی پس از آن، ناپدید نمی‌گردد. این جنبه‌گویی را، با بتوانیم فیلمی تماشایی و ارزشمند تلقی کنیم و از دیدنش حس رضایت داشته باشیم. «جنگاوری» حتی از تایم محدود ۹۰ دقیقه‌ای خود که در استاندارد هالیوود تأیم محسوب می‌شود، موفق نمی‌شود یک اثر خوش‌بتم و تمام‌سرزنده و پویا را تشکیل دهد و در اواخر درجا می‌زند و موقعیت را کش می‌دهد.

ب- **پرهیز از افتادن در دام مذاکرات انحرافی:** ایران باید در برابر تلاش‌های اروپا برای گره زدن «کاهش تنش» به مسائل دیگر (مانند بگرام یا هوشیار مشک) هوشیار باشد. پیام ایران به غرب باید صریح باشد: «هنیت قابل مذاکره نیست. اگر خواهان آرامش در منطقه هستید، متحد خود اسرائیل را از ما‌مراجوبی بیشتر بازدارید. تنها راه دیپلماسی، پذیرش حقوق و امنیت مشروع ایران است.» نباید اجازه داد دستاورد بزرگ میانی، با وعده‌های بی‌اقتصادی معامله شود.

پ- **تقویت همزمان توان دفاعی و تهاجمی:** این رخداد نشان داد سرمایه‌گذاری در توان پهبادی و موشکی، کار انتخاب راهبردی و درست بوده است. ایران باید با جدیت بیشتری به توسعه کیفی و کمی این توانمندی‌ها، بویژه در حوزه فناوری‌های گریز از رادار، جنگ الکترونیک و دقت اصابت، ادامه دهد. بازدارندگی، یک دستاورد دائم نیست و نیازمند به‌روزرسانی مداوم است. ت- **مدیریت هوشمندانه «جنگ روایت‌ها»:** غرب بلافاصله تلاش خواهد کرد تا ماشین رسانه‌ای خود، جای «متجاوز» و «مدافع» را عوض کرده و ایران را به عنوان عامل بی‌ثبات معرفی کند. دستگاه دیپلماسی و رسانه‌ای کشور باید با روایتی منسجم، منطقه‌ی مبتنی بر حقوق بین‌الملل (حق دفاع مشروع ذیل ماده ۵۱ منشور ملل متحد)، اقدام ایران را به عنوان یک پاسخ ضروری و مشروع به تجاوز اسرائیل برای افکار عمومی جهان تبیین کند. ث- **اتکا به قدرت ملی و سرمایه اجتماعی:** یکی از بزرگ‌ترین خطاهای محاسبه‌بانی اسرائیل و حامیانش، تحلیل غلط از جامعه ایران بود. آنها با تکیه بر جنگ روانی و برجسته‌سازی برخی ناراضیاتی‌های داخلی، به این باور رسیدند که بدنه اجتماعی ایران در لحظه رویارویی نظامی، از حاکمیت حمایت نخواهد کرد. این یک اشتباه راهبردی و بنیادین است. تاریخ معاصر ایران، از جمله ۸ سال دفاع مقدس، ثابت کرده است مردم ایران با وجود تمام تفاوت‌های سلسله‌ای و انتقادات داخلی، در برابر تجاوز خارجی، یکپارچگی و غیرت ملی بی‌نظیری از خود به نمایش می‌گذارند. پیوند عمیق مردم و حاکمیت در جمهوری اسلامی که ریشه در ارزش‌های دینی و ملی مشترک دارد، یک سرمایه راهبردی است که اغلب در معاللات نظامی دشمنان نادیده گرفته می‌شود و به همین خاطر هم شکست‌های بزرگی را برای‌شان رقم می‌زند. تصور اینکه می‌توان با ایجاد شکاف میان مردم و نظام، اراده دفاعی ایران را در هم شکست، نه یک تحلیل، بلکه یک توهم بزرگ است که ظاهراً بدخواهان ایران هیچ‌گاه نتوانسته‌اند آن را در ک کنند.